

جنگهای انقلابی در هندوچین

پس از روی کار آمدن نیکسون، سیاست آمریکا در هندوچین عبارت بود از نوانگیزش آسیای شرقی علیها آسیای غربی تا تثبیت باز هم بیشتر ارتشهای دست نشانده. ویتنام جنوبی، لائوس و تایلند کوشیدند با روشی از جنگ را بردوش این ارتشها بگذرانند تا اگر قربانی و گوشت دم توپ بیشتری لازم باشد از جانب این ارتشها تحویل داده شود. برخی از سادها لوان در آن زمان گمان میکردند که سیاست نیکسون در جهت محدود کردن جنگ و در جهت محدود کردن مداخله در سرخوش هندوچین و در جهت پیدا کردن "راه حل دیپلماتیک" مسئله هندوچین است و نه در جهت توسعه جنگ بستر هندوچین و لائوس و بری نماند که دامنه جنگ با تمام شدت خود بستر هندوچین کشید. بهاران جمهوری ویتنام شمالی که مدتی تسلط شده بود مجدداً آغاز شد. سرزمین لائوس نیز علی رقم تمام فرار داهای بین المللی مورد حمله و بمباران قرار گرفت. مرزهای کشوری طرف کامبوج آخرین مرزهایی بود که بدین خاطر شکسته شد. امروز جنگ در سرتاسر هندوچین - ویتنام، لائوس، کامبوج و تایلند - زبانه میکشد.

دولت قانونی کامبوج تحت رهبری سیهانوک علی رقم سیمه های کوناگون امپریالیسم آمریکا سازمان جاسوسی آمریکا - سیا - و ارتجاع داخلی از پانزده سال پیش کوششهای پیاپی امپریالیستهارا برای تجاوز به خاک کامبوج، تبدیل آن به پایگاهی نظامی برای تجاوز به ویتنام و سایر خلیقهای هندوچین، آنگونه که در تایلند، ژنرال میسون عقیم یکد اشتبه بود از آغاز مارس ۱۹۷۰ گاشنگائی نظریون نول و سیریک-لئاناک که خود را نامرکمال به امپریالیستهای آمریکائی فروخته از عیبت سیهانوک استفاده کردند، ابتدا تبلیغات شدیدی علیه خلق ویتنام براه انداختند، توسط ایستار ز خرید خود به سفارتخانه های جمهوری دیکراتیک ویتنام شمالی و دولت موقت جمهوری ویتنام جنوبی حمله بردند تا چنین وانمود سازند که دشمن خلق کامبوج امپریالیسم آمریکا نیست و خلق ویتنام است. آنها بدین ترتیب برای کودتائی امپریالیستی مقدمه - چینی کردند و روز ۱۸ مارس کودتای خود را به سرانجام رساندند. و اعلام داشتند که سیهانوک دیگر رئیس کشور کامبوج نیست. روز ۱۹ مارس وزارت اطلاعات کامبوج اعلام کرد که هر کسی را به خیال خود بحتلا مضر بشناسد بفروردید و در دستور قانونی بازداشت خواهد کرد. رادیکال کامبوج در همین روز اعلام لغو آزادیهای قانونی را بخش کرد.

حتی تمام محافل طبوعاتی جهان غرب متفق القولند که کارگردان اصلی کودتا سازمان سیا است که تاکنون در سلسله از کشورهای از جمله ایران کودتاهای نظامی بسرا انداخته است. عده ای از سیناتورهای آمریکائی نیز همین عقیده را علناً ابراز داشته اند. یکی از شواهد امر آنست که از همان فردای کودتا بانک مالی به حکومت فیر قانونی پرداخته کشتی های آمریکائی برای اسلحه که قبلاً آماده شده بود تسلیح برای کمک نظامی به کودتاجیان در سواحل کامبوج لنگر انداختند دولت غیر قانونی کودتایبری تثبیت خود به زشت ترین اعمال فاشیستی متوسل گردید. کشتار تاریخی پراسوت که در آن سیصد نفر مرد و زن پیروز جوان و حتی شیرخواره به تیر بسته شدند تنها نمونه ای از سواست فاشیستی آنهاست. آطور که خبرنگار آمریکائی گزارش میدهد، قاتلین نه تنها به کشتار این مردم دست زدند بلکه اجساد آنها را نیز قطعه قطعه کردند بطوریکه سر و دست و پا و غیره در اینطرف و آنطرف افتاده بود. امپریالیستها و این میفرقیب هایشان گمان میکردند که با این اعمال فاشیستی مسئله کامبوج راحل کرده اند و لوی حوات پس از کودتا نشان داد که خلق

ماهواره زمین

آشوب و پراگندگی، جز تفرقه، حزب کمونیست جز تلاش تولیدی جز تنزل مقام علم و تکنیک در برابرند. اینک پرتاب ماهواره زمین که کراه بیچون و چراى انقلاب آهنگین در حزب و حکومت چین و مظهر ترقی عظیم تولید و شکستگی علم و تکنیک آن کشور است ماه روسیاهی "دروغ زنان و اتهام گران است. ماده ۱۱ "قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره انقلاب کبیر فرهنگی پارتی" که تحت نظر رفیق مائوتسه در ۱۱ اوت ۱۹۶۶ تصویب شد چنین مقرر میدارد:

"در طی جنبش کونئی باید در مورد اهل دانش و تکنیک و کارمندان عالی، آنهاست که میهن پرست اند و وجدانداره کار میکنند و با حزب و سوسیالیسم از در مخالفت درمی آیند و با خارجا به بند نیستند، سیاست "وحدت - انتقاد سوجان" را همچنان ادامه داد. باید به اهل دانش و کارمندان علمی و فنی که در رشته خویش برجسته اند توجه خاص داشت. در مورد جهان بینی و سیک کارآنان، مائوتسایم با آنها یاری دهدیم که بتدریج باصلاح خویش نائل آیند". اگر این رهنمود مارکسیستی - لنینیستی وجود نداشت علم و تکنیک چین نتوانست باین سرعت بچنین مقام ارجمندی گام بگذارد. امپریالیست ها و رژیونیست های این ماده و سایر مواد قطعنامه مربوط به انقلاب فرهنگی را در مقابل نظر داشتند و معدک بانگیزه کمیته طبقاتی خویش همچنان تبلیغات نگاهداری دست زد پرتاب ماهواره زمین (قرصضوی) از طرف جمهوری تودهای چین بقتضی تقسیم جهان که امپریالیست های آمریکائی و سوسیال امپریالیست های شوروی بقیه رصفحه ۳

پرتاب ماهواره زمین (قرصضوی) از طرف جمهوری تودهای چین واقعه ای تاریخی است، نشانه ای از پیشرفت شکست انگیز دانش و تکنیک در آن کشور است، از نتایج انقلاب کبیر فرهنگی بر تلسری است، کمره پیروزی اندیشه مائوتسه درون است اندیشه مائوتسه درون بود که بانفوذ در تودهای وسیع بصورت نیروی مادی شکست ناپذیر درآمد، میلیون ها نفر مردم ستمدیده غارت شده و خفت کشیده را به پیگاری عظیم ویر - شکیب برزد استعمارواستشار برانگیزت چین تودهای را بنیاد نهاد، دیکتاتوری پرتلاریا را در یکی از دشوارترین لحظسات تاریخی که حزب و دولت شوروی به رژیونیسم گزاتیبه بود حفظ و تحکیم کرد، پوپیند راه سرپایه داری را به نیروی انقلاب کبیر فرهنگی پارتی از سرراه خلق در ساخت با تحولات بی - سابقه اجتماعی زمینه تحولات بی سابقه تولید و علم و فن را فراهم آورد. کامیابی های کونئی خلق چین که پرتاب موفقیت آمیز ماهواره زمین یکی از آنهاست بدین پیروزی اندیشه مائوتسه درون غیر ممکن بود. اندیشه مائوتسه درون بود که بسه جبهه سائی در برابر بورژوازی و در برابر سنن اجتماعی فرهنگی علمی و فنی او پشت پا زد. وطنی، خدای عالی تری را در کلیه زمینه ها در برابر پرتلاریای پیروزنده مطرح ساخت. رفیق مائوتسه درون گفت: "مانیتوانیم همان راههایی را که کشورهای دیگر در تکامل تکنیک پیوده و هیوا ساخته اند در پیش گیریم - ما نمیتوانیم لنگان لنگان بدنهال دیگران روان باشیم. ما باید شیوه های کهنه را بشکیم و از تکنیک های شرقی بهره کامل برداریم تا کشور خویش را در طی دورانی تاریخی که زیسا در طولانی نباشد بکشور سوسیالیستی نیرومند درین صید گردانیم". انقلاب کبیر فرهنگی پارتی، این آموزش انقلابی مارکسیستی لنینیستی را در زمینه علم و تکنیک پیروز گردانید و موجب کامیابی هایی نظیر پرتاب ماهواره زمین شد.

امپریالیست ها و رژیونیست ها چه دروغ ها که نهرا کنند و چه اتهام ها که نزدند تا بجهانیان چنین جلوه دهند که انقلاب کبیر فرهنگی پارتی در چین چیز دیگری جز

روش کمونیستی

"کمونیست در هیچ زمانی و در هیچ مکانی نباید منافع شخصی را در رجداول بگذارد بلکه باید آنها را تابع منافع ملت زوده های خلق گرداند"

مائوتسه درون

از «تاریخ حزب کارآلبانی»

بخشی بسیار آموزنده از ایازان فصل دوم "تاریخ حزب کارآلبانی"

مربوط به سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۴

توزانامه مبارزه نجات بخش ملی وطل پیروزی

... طبقه کارگر در مبارزه نجات بخش ملی و نقش رهبری داشت و این نقش را بوسیله حزب کمونیست آلبانی ایفا کرد.

طبقه کارگر آلبانی هنوز کوششها بود، پراگنده بود، بصورت پرتلاریای صنعتی در نیامد و میر ولی شرقی ترین طبقه و آینه را با خود داشت، بیوزیه آنکه هیچ طبقه دیگری در کشور نتوانست حزبی باشکلیلات استوار با سیاست صحیح و مبتنی بر مبنای علمی بوجود آورد، آن طور که طبقه کارگر بوجود آورد. اگرچه تعداد کارگران در ارگان های رهبری مبارزه نجات بخش ملی و نیز در ترکیب حزب کم بود این امر از رهبری طبقه کارگر در این مبارزه نکاست، حزب کمونیست آلبانی اعضا خود را، اگرچه بخش مهمی از آنها از خرد بورژوازی و بیوزیه ارتشهای دهقانی برخاسته بودند، با رهبری عمیق پارتی انقلابی، با عزم جزم در دفاع از منافع پرتلاریا و سوسیالیسم با ر آورد. منافع مذکور آن اوضاع و احوال با منافع مبارزه نجات بخش ملی، با منافع تمام خلق آلبانی و ملت سیرا آلبانی درهم آمیخت و وحدت می یافت.

دهقانان بصورت ذخیره عمده و نیروی مسلح عمده مبارزه نجات بخش ملی، بصورت استوارترین نگاهب طبقه کارگر و حزب کمونیست آلبانی درآمدند.

دهقانان آلبانی اکثریت عظیم اهالی کشور را تشکیل می دادند. البته از لحاظ اقتصادی و فرهنگی عقبمانده بودند ولی استعداد های بزرگ انقلابی در آنها نهفته بوده، استعداد های که در مبارزه پیاپی با خطر محصل زمین و آزادی برضد استعمار مالکان بزرگ ارضی، برضد بازرگانان رباخوار برضد رژیم های ضد خلقی پیشین و بیوزیه برضد استیلاگران بیگانه حاصل شده بود. دهقانان بیش از هر طبقه باقتدر اجتماعی دیگر آلبانی بودند.

های سالم میهن پرستانهای در یکا زد داشتند. حزب کمونیست، با توجه به کلیه این واقعات، نقش قاطع دهقانان را در مبارزه کاملاً بد رستی ارزیابی کرد و رفیق انور خوجه چنین گفت: "در شرایط کشور با طبقه های در مبارزه پیروز خواهد شد که دهقانان را در کنار خود داشته باشد".

حزب کمونیست در تمام دوران مبارزه نجات بخش ملی باین شعار وفادار بود: بسیج کلیه دهقانان، صرف نظر از اختلافات طبقاتی. ولی دهقانان شروتمند، متفندان دهات، بمثابة طبقه برنامه حزب کمونیست و نقش رهبری آن را نیز برتند. عموماً بسه سازمان های خیانتکار بورژوازی و مالکان بزرگ ارضی، سوسیالیستند و تکیه گاه آنها در دهات شده، با این امید که امتیازات خویش را پس از جنگ نگهدارند.

همه دهقانان، بورژوازی کوچک و متوسط شهرها در مبارزه نجات بخش ملی شرکت جستند بدون آنکه حزبی سیاسی بنما - یندگی خود داشته باشند. آنها بسیار نامتجانس و از لحاظ اقتصادی بسیار ناتوان و بیوزیه فاقد اراده و یختگی و آزموگی، مبارزه سیاسی بودند و از این جهت حزب واقعی سیاسی تشکیل ندادند و نمیتوانستند تشکیل دهند. بالنتیجه از ایفا نقش رهبری در مبارزه نجات بخش ملی عاجز بودند. آنها برنامه حزبی کمونیست را پذیرفتند زیرا که آن را مظهر مطالبات سیاسی ضروری خویش یافتند.

خرد بورژوازی که اکثریت عظیم اهالی شهرها را تشکیل میداد، اگرچه زیاد مصمم و آماده به فداکاری بنظر نمیترسیدند تقریباً بنامی در مبارزه نجات بخش ملی شرکت جست و میهن پرستی بسیاری از خود مظاهر ساخت، بهترین بخشین بورژوازی با حزب کمونیست پیوندی نزدیک یافت. بقیه رصفحه ۲

امپریالیسم در کردار

ماد رطی مقالات متعدد در شان داد های که سوسیال امپریالیست های شوروی در اعمال سیاست نواستعماری خویش دوستدارونیکبان رژیم کودتا هستند . اینک برخی از سخنان نیکلای پادگونی رئیس جمهور شوروی را در سفر اخیر او به ایران در تائید مقالات مذکور نقل میکنیم :

" من در این سفر بخوبی ملاحظه کردم که خط مشی ایران استوار صحیح و منطقی است و این کشور باستانی برای پیشرفت ها همچو اینمورد سیاست مستقل ملی را اتخاذ کرده است ."

" ایران تقدیر خوبی است که میتواند با هر کسی که بخواهد دوستی کند ."

" نزد یکی و تطابق روش های اتحاد شوروی و ایران در چنین مسائلی (بین المللی) بیرونی مانند مبارزه با خطر صلح و امنیتی بین المللی و با خطر از بین بردن قذافی استعمار و با خطر خلع سلاح و عدم گسترش سلاح هسته ای باین امر (همکاری بین دو کشور) کمک و مساعدت می نماید ."

" نقش شنی که اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی رئیس کشور ایران در این زمینه (یعنی تامین پیروزی برفاشیسم) ایفا نموده اند بخوبی معلوم میباشد ."

نقل از اطلاعات ۶ و ۷ فورورد ۱۳۴۹

ارتارخ حزب ... بهیضاصفحه ۱

بورژوازی متوسط بسیار در نوسان بود و گرازیته سازش با اشغالگران در صفوف وی ظاهر میشد . معدنک اکثریت بورژوازی مذکور ممتدگانه قوانین اشغالگران و در زیر فشار سرمایه خارجی و تحت تاثیر مپیمن پرستی سنتی خلق آلبانی بهیضاصفحه با سخت و در مبارزه ضد فاشیستی شرکت جستند و آنکه فعالیت های زیادی داشته باشد . فقط بخش کوچکی از این طبقه به اشغالگران پیوست .

روشن فکران آلبانی که اکثر روش های فو قانی و متوسط اهالی برخاسته بودند و مپیمن پرستی ضد فاشیست در آمدند . مرفقی ترین آنان به مپیمن پرستی ، غم جزم و روحیه عقیق انقلابی ممتاز بودند مشی حزب کمونیست را پذیرفتند و در راه اجرای آن نبرد کردند فقط در اندکی از روشن فکران که با ایدئولوژی بورژوازی فاشیستی قائل شد بودند نه اشغالگران پیوستند .

فعال ترین نیروی مبارزه نجات بخش ملی ، جوانان بودند . آنها در شهر و روستا و در صفوف رشتن و در ای ریشا پیش مبارزه بر ضد اشغالگران و خائنان قرار داشتند . اکثریت عظیم جوانان در حش عالی مپیمن پرستی و نیز روحیه مرفقی عقیق انقلابی از خود نشان دادند . آنها با حزب کمونیست پیوندی نزدیک یافتند و در راه اندیشه های مشترک مارکسیسم - لنینیسم با شور و شوق پیکار کردند .

نخستین کسانی که خود را به عرصه مبارزه نجات بختارند ، ا ختند جوانان دانش آموز و کارگر شهرها بودند . نشانه دانش آموزان بطور ممتد ماز بورژوازی متوسط و کوچک شهرها بود . این دانش آموزان که در کار جوانان کارگر در صفوف سازمان جوانان کمونیست مبارزه مشغول بودند سهم بزرگی در تبلیغ مشی حزب کمونیست آلبانی در بین توده های خلق ایفا کردند . در بین حال سوسیله این دانش آموزان بود که حزب مادر بورژوازی کوچک و متوسط شهرها نفوذ میکرد .

معدنک توده عظیم جوانان ضد فاشیست از جوانان در هفتان تشکیل میشد که مانند جوانان شهرها یا شور بی پایا و با عزم انقلابی به مبارزه رومی آوردند . جوانان دهقان اکثریت نفرات ارتش نجات بخش ملی را تشکیل می دادند .

زنان آلبانی در مبارزه ضد فاشیستی ، نیروی عظیم و بی همتا در مبارزات ملی سابق ، شرکت زنان با این اندازه نوده است . زنان آلبانی مشی حزب کمونیست را پذیرفتند و در کار مردان برای اجرای آن فعالانه مبارزه کردند زیرا که نه فقط راه مطمئن نجات ملی و اجتماعی خلق را در آن میدیدند بلکه تحصیل تساوی حقوق با مردان و رهائی از کلیه قیود استوار و گدشته را در تحقق آن می دانستند

حزب کمونیست آلبانی ، الهامگرم سازمان دهنده رهبر مبارزه نجات بخش ملی و سازنده پیروزی بود .

جنگهای انقلابی ... بهیضاصفحه ۱

تن درنده اید و تن درنده ده .

رئیس قانونی کشوری سیپهانوک - سیپهانوک از یک پیامی به هم میهنانش فرستاد و آنها را دعوت به مقاومت علیه آمریکا نمود . سیپهانوک در پیامی خود ماهیت ارتجاع حاکم در کامیونج را نشان داد و از تراجعی که نه تنها در کامیونج بلکه در تمام کشور های منطقه تو فان ها نظیر اندونزی ، ایران ، برزیل ، غنا و غیره زهر خود را پاشیده است ، سیپهانوک خاطر نشان کرد که " خیانت این مرتجعین . . . این حقیقت را به من نشاناند که کمان ایندک بکک این عناصر فاسد ، بکک این بورژواها و ناخواه ها - دکان فاسد ، بکک این فاشیستها و مرتجعین که در " دولت کونی و در " پارلمان " کونی قرار دارند ، میتوان کامیونجی آزاد و دگرگانی ساخت ، اشتباهی تلخ و ناخوشدنی بوده است ."

واقعیت همچنین است ، کسوری آزاد ، دگرگانی و راتنه از برای میتوان ساخت که امپریالیسم سرکوب کننده دست ارتجاع داخلی بریده و صدایش خاموش شده باشد . سیپهانوک در یک تشکیل جبهه واحد ملی کامیونج و دولت قانونی کامیونج را اعلام کرده از تمام دول شرقی جهان خواست که این جبهه و دولت را برسمت بشناسند مردم کشور خود را دعوت کرد که با تشکیل در این جبهه همگنی خود را با خلقهای ویتنام ، لائوس و سایر نیروهای ضد امپریالیسم لیستی کشورهای برابر تحکیم بخشد ، اسلحه دست گیرند ، به جنگ بزنند و به نبرد با امپریالیسم و زور خرید کانترویر آزند . نیروهای مسلح خلق کامیونج بزودی در همه جا به

جنگ با کودتاچیان و تجار و کارگران پرداختند . گسترش تجار و کارگران به هند و چین خشم هر چه بیشتر خلق های این منطقه را برافروخت ، عزم هر چه بیشتر آنها را در مقاومت در برابر امپریالیسم ، برای نبرد تا اخراج آخرین سرباز امریکائی با عسکرید . هزاران دهقان کامیونجی بهما تیزان ها پیوستند . رئیس قانونی کشور کامیونج سیپهانوک در پیام خود به دولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی تصریح کرد که " . . . به این دلیل ما مردم کامیونج نظرها را تائید میکنیم که با یستی دست در دست خلقهای برابر ویتنام و لائوس به پایخیزیم از یکدیگر پشتیبانی کامل کنیم ، بکک یکدیگر بشتابیم و طبعه دشمن مشترکان تاپیروزی نهایی در نبرد ما بین ."

بزودی نمایندگان جمهوری توده های چین ، جمهوری زحمت کشان ویتنام و دولت موقت جمهوری ویتنام جنوبی و جبهه مپیمن پرستانه لائوس برای ایجاد وحدت عمل در نبرد با امپریالیسم و دفاع از خلق کامیونج کنفرانسی تاریخی تشکیل دادند و بدین ترتیب جبهه آزادی بخش هند و چین پایه گذاری کردند .

این پشتیبانی بی شائبه خلقهای برابر از خلق کامیونج و مقاومت دلیرانه خلق کامیونج عرصه را بر دولت دست نشانده کامیونج آنچنان تنگ کرد که دیگر دوامش بهر بنظر نمی رسید . امپریالیسم آمریکا که نقشه کودتای کامیونج را شکست خورده میدید چاره دیگری نیافت جز اینکه به تجاوز مستقیم به خاک کشوری طرف کامیونج بپردازد . ده ها هزار ساهی آمریکا و دست نشانده کانش خاک این کشور را مورد حمله مستقیم قرار دادند ، هزاران تن بهب به خاک کامیونج انداختند ، تا همه چیز را بسوزانند و نیروهای مقاومت را در همه جا نابود سازند ولی این نقشه در نشانده آنها نیز بنا به اعتراف خود دشمن به نتیجه نرسیده است .

امروزه خلق کامیونج از استیلای امپریالیسم رنج میبرد . ولی خلق کامیونج دارای سنت های انقلابی و ضد امپریالیستی فراوانی است و تا اخراج امپریالیسم و سرکوب نوکرا نش از پای نخواهد نشست . خلق ویتنام نیز به امپریالیسم آمریکا و دست نشانده کانش عریات مرکب را وارد ساخته است . خلق لائوس هم جنگ ضد امپریالیستی اش را بمراحل نوبی ، بمراحل نجات نهایی از استیلای امپریالیسم و ارتجاع داخلی تکامل بخشید . جنگهای آزادی بخش نیز در هوروز گسترش بیشتری می یابند از این پس مبارزات خلقهای این کشورها هم امکان بیشتری خواهد یافت و امپریالیسم آمریکا را بزود تر خوار کند .

جنگهای جهان و از آنجمله مردم آمریکا این مبارزات رهائی بخش را مورد پشتیبانی قرار میدهند . کودتای کامیونج و حمله به خاک کامیونج نه تنها به پیروزی امپریالیستها انجام میدهد بلکه

برعکس ، شکست قطعی آنها را نزدیک تر ساخت . امروز مردم آمریکا علی رغم سیاست فاشیستی دولت انحصارگران ، علیه سیاست جنگ طلبانه این دولت بپاخاسته اند . در نظرها هستی که در دانشگاه اوهایو علیه تجاوز آمریکا به کامیونج صورت پذیرفت دانشجویان به ریکار مسلسل بسته شدند ، چهار نفر آنها بقتل رسیدند و عده ای جرح و جراحت شدند . ولی این روش ها - شیطنت های حق طلبانه مردم آمریکا را خاموش نساخت بلکه چیزه کبریه و مزورانه نیکسون را نمایان تر ساخت . امروزه درهای صدها مدرسه و دانشگاه امریکائی بخاطر اعتصاب محصلین بسته است .

آرزوی برخی گمان میکردند که آمریکا برای " دفاع از استقلال ویتنام جنوبی و برای حفظ صلح " در ویتنام می جنگد سپری شده است . همه مردم جهان دریافته اند که عامل اصلی تمام تجاوزات و جنایات عظیم تاریخی همین امپریالیسم آمریکا است . رئیس قانونی کشور کامیونج - سیپهانوک در اظهاره ۲ آوریل خود تصریح کرد که : " آرزوی آمریکا . . . ارتش خود را از خاک ویتنام جنوبی فراخواند ، ما همه جهان خواهیم دید که از آرزوی دیگر در هند و چین جنگی صورت نخواهد گرفت و قهر و جوران و بی خانمانی از سرزمین ما رخت بر خواهد بست ."

امپریالیسم آمریکا دشمن مشترک خلقهای هند و چین و جهان است . تجاوز به کامیونج نیز بخشی از استراتژی جهانی او برای درین نگاه داشتن خلقهاست . مبارزه خلق های هند و چین علیه امپریالیسم نیز بخشی از انقلاب جهانی است ، خلقهای سراسر جهان از نبرد مردم هند و چین بدون قید و شرط پشتیبانی میکنند . پشتیبانی این خلقها تنها در آن نیست که فریاد اعتراض خود را رساتر سازند بلکه بطور عمده در آنست که خود مستقیما به نبرد با امپریالیسم بپردازند .

رویزینوستهای شوروی با آنکه زحمت نوشتن چند مقاله اعتراض آمیز را بخود دادند ولی بطور کلی از حمله آمریکا به خاک کامیونج بر آشفته نشدند ، اگر بر آشفته میکنند ، لاف در مواضع خائنه خود با امپریالیسم در ریذ اکرات در ستانه بسا نمایندگان آمریکا برای ایجاد انحصار آمریکا و شوروی در تملک سلاحهای مهلک و قه ای ایجاد میکنند .

امپریالیسم آمریکا بخوبی میداند که رویزینوستهای شوروی تجار و از به خاک کامیونج با خونسردی و ملایمت حمل خواهد کرد ، همانطور که امپریالیسم آمریکا نیز تجاوز سوسیال - امپریالیسم شوروی به چکسلواکی را با خونسردی و ملایمت حمل کسب کرد .

علی رغم این سازش خائنه آمریکا - شوروی خلقهای جهان و از آنجمله خلقهای هند و چین به نبرد خود شدت بیشتری می بخشند ، روزی که در اثر قاطعیت این نبرد ، امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم از جهان برافتد چندان دور نیست .

افزایش محصولات «صنعتی» صادراتی

سال گذشته ، منظور که از نظر لعه مطبوعه است ، وزیران برمیاید صنایع کشور ما گویا با کامیونجی بلندی به پیشرفت و پیشرفت آن مانند همجو نیز کشورها هفتاشده در جهان بی سابقه می نظیر بود . محصولات صنعتی ایران اند از ای مرغوب و در نیایند بود که همه از چهار گوشه دنیا برای خرید آنها بسوی بیخت کشورها هفتاشده ای روی آوردند . نتیجه صادرات کشور هفتی سال گذشته تا بر ۳۰ درصد ملو تانه ، مانند افزایش هر کمیت دیگر در کشور ما ، ۱۳ درصد افزایش یافت . البته شما در جستجوی آن نباید که از زمان سابقه اربعه اقامه راتی سال گذشته سال پیش از آن منظور که در مطبوعه ها و اسناد رسمی آمده رقم ۱۳ درصد است آورید . چنین بجز در حاکم سترسی بهخا لاتا سترشده ۱۳ درصد اقامه است ، ملو تانه ۳۰ درصد است ، با این معیار باید . اگر ارقام چنین افزایش گواهی میدهد بد احوال ، از فاکتور «تولیدات» که رانته است ، مانند بهر حال عمل در روزها افزایش صادرات راحتی در این نوزاد و فروردین ماه امسال ۳۳ میخورد ، اگر آری در این عنوان و جبر روزها غلا غلا عا گوشه و مید : " افزایش صادرات رانته رانته اول فروردین

صادرات کشور رانته اول فروردین ماه امسال رانته نسبت به مشابه سال قبل ۸۱ / ۱ میلیون ریال کاهش یافت . البته اگر عنوان باحتی در تناظر فاشیسم

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

آواتوریسم پایه... بقیا از صفحہ ۱ نظریات دوره کامل متفاوت است. این نخستین نغمه مہمی است که مارا از بیخ و بن درخشا با خط مشی کاستریستی فرامیبردند.

مانا کدی میگیم که در بیازره سلحمانه یک کار تدارکی واقعی مطلقاً ضروری است. این کار تدارکی فقط میتواند "باندست" سازگاری صورت گیرد که از مضمی سیاسی صحیح پیروی کند، به سائل و آرمای های توده‌ها معرفی عمیق داشته باشد. فرورفتاری شهر و ده ریشه داشته باشد به اندازه کافی. تشکل و ساخته برداشته باشد تا بتواند علی‌رغم فشار و اختناقی غالبی و قات در شرا بسط و پهنانکاری به فعالیت بپردازد.

این سازمان، این پیشاهنگ همان حزب است، این نگه دومی است که میخواهیم به آن بپردازیم.

حزب

تذکرات کاستریستی: بنظر دوره حزب دشمن شماره ۱ عمل انقلابی است. حزب یعنی شهر و شهر یعنی پور و روشن شدن.

سازمان انقلابی جدیدی بر روی صحنه ظاهر میشود سازمانی که میخواهد زندگی قانونی داشته باشد برای مدتی در زندگی سیاسی "عادی" شرکت جوید تا یا به خود را مستحکم سازد، شهرتی کسب کند. و بین ترتیب شرایط مبارزه سلحمانه را تدارک به بیند. اما این سازمان کم کم زندگی سیاسی روز-مره که بصورت افق عادی عمل آن در میاید کشیده میشود، می-چسبده اعضا و نگارهای چند گرد میاورد، نخستین کنگره خود را تشکیل میدهد، روزنامه و نشریاتی بچاپ میرساند. بعد از آن میرسد به صدها جمع سالیانه، هزارها جلسه "نخستین تماس های بین المللی" "مخازم" نمایندگانی بخارج زیرا که بالاخره باید در کنگره‌های متعدد شرکت جست، بطور اتم در چند ارگانیکسیم دیگر نماینده داشت، روابط عمومی خود را حفظ کرد. بیان کار همیشه مثبت است؛ کارمندان به فعالیت مشغول اند، چاپخانه چاپ میکند، نمایندگان بسافارت میروند، ریشه های دوستی بین المللی افزایش مییابد، رهبران غرق در کار میشوند، بطور خلاصه ما شین در حرکت است. اما این ما شین گران تمام شده است و باید از آن مراقبت کرد. سازمان تقویت میشود. بدین ترتیب در روزهای مبارزه سلحمانه چندین ماه و سپس چندین سال بعقب می افتد. زمان با تشبیه حال فرارزهایش میگذرد و انتقاد خدا همه هر روز پیش ازین پیش میآید و شومس ای ناپهنا و شمشاید آواتوریسم و پیوسته بمشابه "امری" "ناپهنگام" تلقی میگردد. . . . فعالان بیایه توجه کنند که دانت زن در بیازره سلحمانه در آید های نزد بیایه در زخم بر هم زدن وحدت مقدس سازمان است، مخرابکاری در قضا قانونی است، برانگیختن سرکوب رهبران حزب است، سخن کوتاه سازمان سیاسی، خود بصورت هدف در آمد هاست. این سازمان بیازره سلحمانه نمی پردازد زیرا که باید ابتدا حزب پیشاهنگ مدکی تبدیل گردد در حالی که خلعت پیشاهنگ را جز در زمانه مبارزه سلحمانه نمیتوانست بدست آورد. این دوره تسلسل است، لها است که مبارزه انقلابی را به رکود و گد پدکی کشانیده است (همان کتاب)

اما چرا حزب از چنین "تکاملی" گزینی ندارد؟ برای اینکه در شهر مستقر میگردد و رشد میکند و اگر "کوه بورژواها و هفتانان را پرولتریزه میکند شهر میتواند حتی پرولترها را نیز به بنروزوا تبدیل کند" (همان کتاب)

بنابراین حزب همیشه یک سازمان رفورمیستی و بورژوا شده شهر است و برای جنگ پارتیزانی فقط میتواند عامل شوی باشد

به این حکم، حکم دومی افزوده میشود که بطور طبیعی از حکم اول برمیآید: "ارتش توده‌های هسته حزب بخواد بود و نه بالعکس". "بهمین جهت برای رشد پیشاهنگ سیاسی باید جنگ پارتیزانی را گسترش داد" (در همان کتاب).

بدین ترتیب حزب واقعی، از جنگ پارتیزانی زاده میشود. برای دوره معنی آن اینست که نظامی به سیاسی فرماید؛ جنگ پارتیزانی باید یکدیگر نظامی فرماندهی اعجاز سیاسی یا نظامی را برعهده گیرد. (همانجا)

اکنون بپردازیم به تحلیل موضوع تحلیل و از موضوع بدو یعنی تقدم نظامی بر سیاسی آغاز کنیم.

سیاست در مقام فرماندهی: رجحان دادن عامل نظامی عقیده‌های بس خطرناک است. در برهمن آن است که مرجع داشتن عامل نظامی بر عامل سیاسی عملیات جنگ پارتیزانی را بدرجه

عالی تری ارتقا: میدهد، برعکس، درک تکمیلی جنگ انقلابی در عمل بصورت شیوه آواتوریستی تجلی میکند. ویلک سلسله کارهای سنجیده و دور و دراز احتیاط متجز میگردند. آن شیوه نتیجه دوا بر است؛ یکی تصمیم به جلب پشتیبانی توده‌ها است از طریق توسل به سلحمانه، به رفیقیت و عاجله، آن پشتیبانی که فقط میتوان یا کار سیاسی موازی بدست آورد و دیگر دست زدن به ابتکار ت ناپخته در زیر فشار وضعی که همانا بعلت فقدان کار سیاسی در میان توده‌ها، غالباً نومیث کنند، میگردد.

توجه وقتی: که در تدارک مبارزه سلحمانه و رهبری جنگ انقلابی ملاد رجین در رویت نام بگرفت عمیقاً با آن متفاوت است. فقط ارتش‌هایی که این اصل معترف رفیق مائوتسه دون را بکار بستند، "حزب به تفنگ فرمان میدهد و قابل قبول نیست که تفنگ به حزب فرمان دهد" نتوانستند در جنگجویان چینی و ویتنامی آگاهی انقلابی بدید آورند، آنچنان آگاهی که به آنها امکان داد با تحلیل از شرایط مشخص استراتژی و تاکتیکهای درست تدوین کنند و پیروزی‌هایی بدست آورند که امروز برهمنه کس معلوم است.

فقط تقدم سیاسی بر نظامی توانست در خلق‌های چین و ویتنام آید آن اندازه عمیق، آن اندازه استوار وجود آ و رد که نه بعب، نه در جزو سنجیده، نه کارهای سیاسی، نه ناپالم و نمرحشیا ترین کنتراها نتوانستند آنرا نابود سازند. فقط تقدم سیاسی بر نظامی میتواند موجود را زنده جنگ توده‌های باشد. اگر این موضوع دستگیر شود که مبارزه بر سر چیست، حتی با تفنگ شکار نیز میتوان پیروز شد، اما اگر معلوم نباشد که نبرد بخاطر چیست، حتی با مسلسل‌های آخرین سیستم تکنولوژی است.

روزیونیسم یا مارکسیسم - لنینیسم. اکنون بپردازیم به مسئله اساسی یعنی حزب. از یک‌دگاه دوره این امرکتام احزاب باصلاح کمونیست خیانت کردند مربوط به مشی سیاسی نیست، مربوط به سازمان است؛ اگر رهبران خیانت کردند پسرای آست که آنها به بورژوا تبدیل شده‌اند، برای آست که حزب در شهر سازمان خود را بنیاد نهاده است. تمام خیانت‌ها و نحرافات احزاب کمونیست مشی به شکل سازمانی آنها بشما حزب نسبت داده میشود. دوره بجای آنکه این احزاب را بناسبت روشی که در قبال پیوند تئوری با رتیک و دیگری که امبارر طبقاتی و تحصیل قدرت سیاسی دارند مورد انتقاد قرار دهد نشان دهد که تئوری رفورمیستی توجیه کننده برانیک رفورمیستی است، تا کدی میکند که این خیانت محصول شکل سازمانی حزب است. اما آنچه که در دوره نیگوبید و کاستریسم نمیخواهد بگوید اینست که این خیانت‌ها نتیجه روزیونیسم است. دوره در هیچ موقع از روزیونیسم سخن نمیگوید، هیچگاه نشان نمیدهد که این احزاب "کمونیست" روزیونیست از پشتیبانی سیاسی و مادی اتحاد جماهیر شوروی و گاهی نیز کوبا برخوردارند.

دوره هرگز خیانت "احزاب کمونیست" را با برنامه سیاسی آنها مرتبط نمیسازد. اصرار او در روایت ساختن این خیانت به کش‌ها و تسهیلات زندگی شهری کلانان در دست‌چینی خنده آوار است نظیر همین آپیونیسم و خیانت روزیونیست‌ها معلول این نیست که آنها به روستا نمیروند، معلول این نیست که آنها ترحم میدهند در شهر علیه دشمن مبارزه کنند بلکه با این علت است که آنها از مبارزه سازمانی‌نیزند، از انقلاب کردن امتناع دارند

ما در اینجا به مسئله اساسی برمیخوریم: مسئله موضع دوره و کاسترودر برابر روزیونیسم. کاسترودر موضع گیری در برابر روزیونیسم نوین، اجتناب میورزد، مشی کاستریستی، که خط مری میان روزیونیسم و مارکسیسم - لنینیسم را با خط مری میان کسانی که در یک موقع اسلحه بدست گرفته‌اند و آنهاهایی که بدست نگرفته اند جانشین میسازد، در واقع کسی را که به هدف تحصیل قدرت سیاسی از راه قهر پشیت یازده با کسی که دارد شرایط را برای نیل بدان آماده میسازد در اردوئی انقلابی و نه در قریه‌ده‌ده مشی کاستریستی کسی را که بر اساس خط مشی سید سی و نظامی صحیح بمبارزه سلحمانه می پردازد با کسی که این مبارزه را بر اساس خط مشی نادرست و آواتوریستی انجام میدهد در اردوئی انقلابی واحدی میگرداند.

کاستریسم نمیخواهد ماهیت واقعی روزیونیسم را بر ملا سازد نمیخواهد با روزیونیسم در تمام پهنه آن (یعنی بمشابه پدیده بین المللی و نه فقط محدود به امریکای لاتین) و بسا

ماهواره زمین... بقیا از صفحہ ۱ در سر میورزد ضربه میزند و آرد میسازد. سلحمانه است که این دشمنان بشریت سلحمانه اتنی و راکت را در انحصار خود گرفته خلق های جهان را با شاننا و ارباب به تسلیم در برابر استعمار و استثمار دعوت میکنند. امپریالیست‌ها هر جنگ تجارزگانه خود را بر شانتا و جنگ اتنی متکی میسازند و روزیونیست‌ها هر جنگ غدا لانه را بدست‌آورد جلویکی از جنگ اتنی به خاموشی محکوم میکنند. اینک پیر و زبهای جمهوری توده‌های چین در زمینه تسخیر اشهر قضا بر استراتژی جهان‌آواران امپریالیست و روزیونیست خط بطلان میکنند.

یزاب ماهواره زمین (قمر صخره‌ای) از طرف جمهوری توده‌های چین نوید بزرگی ب همه خلق های شیفته آزادی است و بآنها در مبارزه بزهد استعمار و استثمار نیر و قتی تسازه می بخشد. خلق های جهان بروشنی می بینند که جمهوری توده ای چین، مین در پرفخار سوسیالیسم که به پشتیبانی از انقلاب جهانی سرفراشته، نیرومند و غلبنا پذیر است. خلق های جهان بروشنی می بینند که با فراگرفتن مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون و انطباق آن با شرایط خاص هر کشور میتوان بر عقب ماندگی های قرون فائق آمد و باگام های تاریخی به پیش‌تاخت.

غلبه روزیونیسم در شوروی باعث شد که دولت شوروی کامیابی‌ها و سبقتی را که در زمینه های مختلف و از آن جمله در زمینه تسخیر اتم و فضا در روزگار رخشان دیکتاتوری پرلناریا و رهبری استالین بدست آورده بود بترجیح فاقد کرد و نسبت به امپریالیسم امریکاد در مقام دوم قرار گیرد. برعکس غلبه مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون در چین باعث شد که دولت چین در این میدان وارد شود و با آهنگی بی سابقه به پیش‌تازد. این واقع‌ده‌س آموزنده ای است برای کلیه خلق های جهان.

مردم سزاسرگیتی پیروزی جمهوری توده ای چین را پیروزی خود میمانند و روز بروز بیشتر به اردوی انقلاب که حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی در راس آن قرار دارند روی آور میشوند.

توضیح

خواهشمندیم در شماره ۲۲ ماهنامه تسوفان در صفحه ۶ ستون ۲ سطر ۵ را چنین بخوانید:

"در اینجا در برابر شرایطی قرار گرفته‌است که قیلا در برابر کمونیست‌های سراسر جهان قرار گرفته بود"

طرقی که لازم است مبارزه کند یعنی مبارزه آید و تلوویک علیه "احزاب کمونیست" روزیونیست و پشتیبانی از احزاب مارکسیست - لنینیست.

وظیفه ما است که با کاستریسم بمبارزه برخیزیم نه بخاطر علاقه به پلیمیک بلکه باین علت که تئوری‌های مندرج در "انقلاب در انقلاب" "ده‌ها صدها و حتی هزارها مبارز صمیمی و مدیو را به شکست کشانیده و بی‌کشاند شکست‌هایی که حاصل آن قتل و شکنجه انقلابیون بسیاری است.

انتقاد از کاستریسم باین معنی نیست که سران پارتیزان‌ها مانند چه گوارا بمشایه دشمن تلقی کنیم. وظیفه مارکسیست - لنینیست‌ها است؛ و این بسود جنبش انقلابی بین المللی است؛ که در عین آنکه شجاعت را می ستایند و از قربانی شدن مبارزان تلخ کام میگردند، به علل شکست‌هایمند-یشند و صحت مشی سیاسی و شیوه‌های مورد استفاده را در تازنا رآیند، از شکست‌های نظری جلویکی بردارد و امکان‌ات پیروزی مبارزه انقلابی را تسریع کند.

(ترجمه از "اکسپر" ارگان حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست سوس شماره فوریه - مارس ۱۹۷۰)

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده‌ای است

آواتور یسم یا جنگ توده‌ای

نیست؟

اکسپوز فرمولی که حلال تمام این مسائل است چنانکه در بدیهه تبلیغات مسلح است. اما چگونه یک عمل نظامی می‌تواند در اهالی مجاورت آن بیخلف سیاسی ببخشد. ما در آنجا اهل آن کانون را فراد آن از همد فهای آن بکلی بیخبرند؟

این ملاحظات ما را با این نتیجه می‌رساند که به طرح مسئله واقعی بپردازیم. مسئله‌ای که درک مارکسیستی - لنینیستی مبارزه مسلحانه را از درک کاستریستی آن آزرشده متناهی میسازد یعنی مسئله تدارک سیاسی مبارزه مسلحانه.

مسئله سیاسی و فماتیدن لزوماً مبارزه مسلحانه است.
ما بر آنیم که مبارزه مسلحانه فقط می‌تواند ثمره کار سیاسی طور لایه نشود و روبرو برانده باشد. بدین منظور باید در کشور روستا ریشه درآید و فعالیت در کارگران و دهقانان داشته باشد. مسائل نیاز مند بیاهادرات و رسوم زحمتکشان را عمیقاً شناخت و آنها را پایبندی زحمتکشان از سرگردانید.

در نظر دوره تدارک مبارزه مسلحانه مرحله‌ای اساسی نیست. حتی یک مرحله فوری جریان انقلابی نیز شما نیاید. اول و با قاطعیت می‌گوید: "باید از کانون نظامی به جنبش سیاسی رفت" (همان کتاب). هنگامیکه مسئله سیاسی را مطرح می‌کند این مسئله را پشایه دنبال‌های از عمل نظامی تلقی می‌کند. این شیوه در کانون مسلحانه به جدائی و انفرادی او را کانون می‌انجامد. محل کانون سرانجام کشف می‌شود. اعضای آن یک یک از طریق ریه‌های سرکوبی بقتل می‌رسند و توده‌های دهقان که هرگز نبودند فاند که خواست این "بیگانگان" چیست به این صحنه خونین با بی تفاوتی نظری کامل می‌نگرند.

از همان دوره ۱۹۶۷ شکنجی رفقای ویتنامی در کفرانس همبستگی کشورهای امریکای لاتین با تشریح اهمیت مسئله سیاسی در تدارک مبارزه مسلحانه بطور غیر مستقیم ولی روشن انقلابیون امریکای لاتین را از چنین درکی برحذر داشتند. اینک مستخرجاتی از سخنرانی وی که نشان می‌دهد چه اختلاف نظریه‌ی درک کاستریستی مبارزه مسلحانه را از درک مارکسیستی - لنینیستی متباین می‌سازد.

"مسئله جنگ انقلابی قبل از هر چیزی مسئله سیاسی است."
... مبارزات سیاسی در گرفت. دهقانان شکایات خود را در مقامات محلی مطرح می‌ساختند که همیشه سرکوبید دهقانان را در پی داشت. کم‌کم دهقانان با پوست و گوشت خود درک کردند که باید اسلحه بدست گرفت. در واقع هم آنها نبودند که با اسلحه اسلحه بدست می‌گرفتند. بنابراین شما کثرت شرایط خود را بخیل کنید و دهقانان که آگاهی می‌یابند بیشتر حرکت می‌یابند.

در مسئله دهقانی جان کلام اینست: شتاب نگیرند. اگر سر دهقانان درک نمی‌کنند، یک تشبیه به پیشروانند خطرناک و ظالمانه بی‌فایده است. این دهقانان هستند که در ۱۹۰۹ مسئله مبارزه مسلحانه را در دستور کار قرار دادند.

سرسری نمی‌تواند انقلابی بود. مسئله دهقانی دشوارترین و پیچیدهترین مسائل است. اگر آن را حل کردید پُر برداشتم است و شما دیگر مغلوب نخواهید شد. اما اگر تصور کردید که به بهانه شرایط مساعد کافی است نغفتن دهقانان گت که ما می‌خواهیم وضع را عوض کنیم در این صورت گرفتار تقلیدات توده‌ای گشته‌اید. از ۲۰ ساله ۱۹۶۰ مبارزه را رهبری می‌کند ولی قیلا دهقانان بودند که آنرا آغاز کردند.

اگر بکار سیاسی نپردازید، دهقانان از شما پشتیبانی نخواهند کرد و این خطر وجود است که شما منفرد بمانید. در آغاز دشمن از لحاظ نظامی همیشه قوی‌تر از شماست و شما باید تغییر مکان دهید. دشمن به سرکوبی می‌پردازد و دهقانان شما را تهم می‌سازند زیرا شما هستید که عوامل سرکوبی را فراهم ساخته‌اید.

نیاید شرایط خود را بد دهقانان تحمیل کرد. باید به آنها کمک کرد که خودشان علت و لزوم مبارزه مسلحانه را دریابند زیرا آنها بی‌منافع خویش‌آگاهی دارند. بخصوص باید به آنها کمک کرد که آگاهی سیاسی و سطح تشکیلاتی خود را بالا ببرند.

مسئله جنگ انقلابی در وهله اول نظامی نیست بلکه قبل از هر چیزی سیاسی است.
روشن است که این نظریات با

۱۹۶۷، کفرانس سازمان همبستگی کشورهای امریکای لاتین (OLAS)، فیدل کاسترو مواضعی اتخاذ می‌کند که ظاهر آن انقلابی‌ترین مواضع است. او راه‌مسائل متناهی و راه پارلمانی را طرد می‌کند و با صدها هیئت‌لژ مبارزه مسلحانه را اعلام می‌دارد. او اعلام می‌دارد که انقلاب باید به سراسر امریکای لاتین گسترش یابد. مبارزه باید بطور همزمان در چند جبهه درگیر شود. این یک اعلان واقعی جنگ به امپریالیسم امریکا و بنا به تداوم آن است.

وسیلبرای دست یافتن به این مقصود جنگ یا تیزروانی (گریلا) است.
از آن زمان چندین سال می‌گذرد و واقعاً هم جنگ‌های پارتنی در چند جبهه پدید آمده‌اند. اگر این جنگ‌ها که به موفقیت‌ها می‌رسیدند ولی باید گفت که بطور کلی کار آنها به شکست انجامیده است. بنظر ما این شکست‌ها به تصادف شرایط نامساعد یا به خطاهای تاکتیکی مربوط نیست، نتیجه درک غلط از مبارزه مسلحانه است.

مشکل عمده، حزب کمونیست کوبا است که فیدل کاسترو آنرا رهبری می‌کند. بانی کانون پارتنی که اصول تئوریک آنرا روی در پیرویشته تحریر کرده حزب کاسترو است. روی در دوره فطرسخنگی کاسترو است و کاتاش "انقلاب در انقلاب؟" در قسمت اعظم خود حتی بوسیله کاسترو در یکجمله شده است. بررسی "انقلاب در انقلاب؟" روشن می‌سازد که تاجه حد بعضی تزه‌های کاستریستی در تضاد با اصول مارکسیسم - لنینیسم در باره جنگ توده‌ای است.

برای ما ممکن نیست در چهارچوب این مقاله همه تزه‌های کاستریستی را تحلیل کنیم به همین جهت این انتقاد که برینا کتاب دوره صورت می‌گیرد نمی‌تواند کامل باشد. ما درنگه خیلی مهم جنگ پارتنی و حیزرا مورد بحث قرار می‌دهیم.

جنگ پارتنی
تیزکاستریستی: انقلاب پایان مبارزه مسلحانه است و مبارزه مسلحانه نمی‌تواند پدید آید و گسترش یابد مگر از پدید آمدن کانون چیست؟ کانون گروه کوچکی از افراد است که بطور کلی از روشنگران شهر که تصمیم می‌گیرند مبارزه مسلحانه را بی‌آغازند. این گروه منطقه خشک‌کاملاً کوهستانی و کم جمعیتی را انتخاب می‌کند و در آنجا پایگاهی کوچک، متحرک و ضد تعقیب برقرار می‌سازد. این همان کانون است.

کانون چه نقشی دارد؟ این گروه بکلی تبلیغات مسلح می‌کوشد مبارزه مسلحانه را گسترش دهد. "تبلیغات مسلح عبارت است از یک عمل نظامی موفقیت‌آمیز". ازین بردن یک کامیون حمل و نقل افراد نظامی، امداد یک مامورین شکیبگر در راه، عام بیش از بود سخنانی در راه‌های مجاور تاثیر تبلیغاتی واقعی و عمیق سیاسی می‌گذارد. (از کتاب روی دوره). کانون بکلی حملات ناگهانی موفقیت‌آمیز به دهقانان می‌قبضد که دشمن کیست و برای دشمن می‌توان پیروزی بدست آورد. بتدریج دهقانان که به تیزی خویش آگاهی می‌یابند به کانون می‌پیوندند کانون بزرگ می‌شود. از آن کانونهای دیگری مزایه مستوفی‌های سربازان چریکی و بالاخره یک ارتش واقعی آزاد پیش بوجود می‌آید.

اینست بطور خیلی ساده شیوه اقدام کاستریستی. در باره این نوع درک از مراحل مختلف مبارزه مسلحانه چه می‌تواند امید؟ آنچه که چشم می‌خورد اینست که:
۱- اعضای کانون در اسامی خود شهرهای جوانی هستند که ورزیدگی ندارند و منطقه سرزمین را بهیچوجه نمی‌شناسند. هیچ تجربه‌ای در زمینه زندگی در جنگ، درباره فواصل و نقل و انتقال لات دشوار ندارند.

۲- نسبت به اهالی کاملاً بیگانه‌اند، حتی اغلب نسبت به کشوری که در آن مبارزه می‌کند (مانند گروه چه گوارا در بولیوی) - از اینرو با مسائل دهقانان، بنایازند بی‌اهادات و رسوم آنسان آشنائی ندارند. کانون در واقع گروهی است بیگانه که از آسان در جنگ فرود آمده باشد. دوره خود مجبور است این حقیقت را بپذیرد. معدنک او بر آن است که کانون بدون پشتیبانی توده‌ها نخواهد توانست بر زندگی خود ادامه دهد گسترش یابد!

اما چگونه مشران پشتیبانی توده‌ها را تا این حد هنگامی که ما آنها کاملاً در انحصار نمی‌شناسیم و تفاهمی میان ما و آنها

مدافع از زندانیان سیاسی

آدم دزدی از شیوه‌های دیرینه جنایتکاران سازمان امنیت است. انسان‌های شریف را از خانه‌ها از کوجه باز سرکار بدین ارائه گنبرین ملک قانونی دستگیر می‌کنند و بشکجه گاه می‌کشاند بدین آنکه به خانواده آنها محل کار آنها کچلتترین خوبی بدهند. هفته‌ها و ماهها می‌گذرد خانواده آنها در توشیح جانگه بسر می‌روند و راهی برای خبر گرفتن از عزیزان خود نمی‌یابند. سازمان جنایتکار امنیت فقط پس از آنکه زندانیان خویش را ماهها در زیر شکنجه گرفت و در محاکم درسته نظامی محکوم ساخت و حتی گاهی فقط پس از اعدام آنها خبر گرفتاری در برآید و در روز باره اقدام خویش منتشر می‌سازد. دستگیری‌های اخیر سازمان امنیت نیز به همین شیوه بیگانه رانه صورت گرفته است. پس از حوادث تهران که رژیم کودتا را سخت بوخت انداخته در زمین رژیم در دهان فرار از نضاط مختلف کشور و قشرهای مختلف مردم به شکجه گاهها افکند و اینک به تنظیم پرونده برای آنها مشغول اند. شناسایی رژیم و وسعت دامنه دستگیری‌ها نشان می‌دهد که خشم و آشفته توده‌های مردم تاجه اندازه شدید و وسیع است و رژیم محمد - رضاشاه تاجه انداز زمین خویش می‌هراسد.

اینک عده دیگری از جوانان میهن دوست ایران در معرض شکنجه و مرگ قرار آید و تجربه نشان داده است که فقط عمل مشترک همه نیروهای ملی و دموکراتیک می‌تواند آنان را از چنگال دژخیمان برهاند. بویژه سازمان‌ها و نیروهای خارج از کشور که از امکانات بیشتری برخوردارند در این مورد وظیفه بزرگی در افشا سازمان امنیت و اظهارات جمععی و اعتراضات برهمه دارند. ما ضمن اینکه از همه امکانات خود در زمینه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی و از هرفرصت وار هرسک استفاده خواهیم کرد فاطمه دانشجویان و سازمان‌های ملی و دموکراتیک خارج از کشور را به وحدت عمل دعوت می‌کنیم. برای نجات زندانیان سیاسی با تمام توان بکوشیم. افتخار زندانیان سیاسی ننگ بر سازمان اهریسی امنیت.

افزایش محصولات... بقیه از صفحه ۲
استدراجنیک این فاکتور
کشور شامتهاهی ایران است. در آنجا شما می‌توانید اگر انرژی فوری فاکتور
عمومی هیچ زشتی نیست که زیاده‌اند و هیچ سیاهی نیست که
سفید تر خوانند!

بالاخره برای آنکه خوانندگان به نوع جنس محصولات صنعتی صادراتی بی‌برند و می‌بینند چگونه کشور ما بصورت کشوری صنعتی! در آمد هاست چندین قلم صادر را که مجموعاً بیش از ۷۰٪ کل صادرات کشور را تشکیل می‌دهد بمنظور آرزو می‌کنیم که در فورورد ۱۳۴۹ از نظرشان می‌گذرانیم

قرص	۲۳/۲۹
پنبه	۱۹/۷۲
میوه‌های خشک تازه	۱۳/۹۰
انواع پوستچرم	۶/۴۰
کلوخه‌های معدنی	۴/۷۰
خاویار	۲/۴۸
انواع کبریا	۲/۰۰
انواع غیره	۱/۰۸
انواع روده	۱/۲۰
پشورک و سو	۰/۴۹
ریشه شیرین بیان	۰/۴۳

بطوری که روزها با اطلاعات می‌بینید نظر ما نسبت به سیاست و ستم‌های ایران و عربستان سعودی و مقامات ولتی ایران کشف کرد ما ندک کشور را خیر برای صادراتی راهی محصولات صنعتی مانند روغ و ماست باز ا روسی می‌تواند باشد.

با چنین محصولات صنعتی صادراتی آیا بازم می‌توان مدعی شد که کشور ما کشوری عقب‌مانده تولید کننده و صادر کننده مواد خام و معدنی است؟!!